

ارزشِ بشر و بشر دوستی در دیوان حافظ

○ دکتر قمر غفّار

جامعه ملیّه اسلامیّه، دهلی نو

بعضی از کتابها به یک بار خواندن می‌ارزد و بعضی دیگر مثلِ مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین رومی، گلستانِ سعدی، دیوان حافظ و رباعیات خیّام نیشابوری و... چون رابطهٔ مستقیم با زندگی بشر دارند، ارزش آنها به حدّی زیاد است که انسان هر دفعه با مطالعه‌شان، نکتهٔ تازه‌ای از زندگی را درمی‌یابد. از این رو این کتابها نه یکبار، نه دوبار بلکه پیوسته به چاپ می‌رسند و موردِ مطالعهٔ مردم قرار می‌گیرند. اگر تعداد تیراژ را نشانهٔ مقبولیت و محبوبیت کتاب در بین مردم بدانیم، ملاحظه می‌شود که در ایران بعد از قرآن مقدّس، کتابی که بیشتر به چاپ می‌رسد، بدون شک و مبالغه دیوان حافظ است. در ادبیات فارسی شعرای بسیاری شعر سروده‌اند از رودکی تا ملک الشعرای بهار ولی دیوان حافظ غنی‌ترین میراث ادبیات فارسی و زبدهٔ ادبیات غنایی جهان به شمار می‌آید. غزلهای شاعر شیرین سخن شیراز بیانگر اسرار الهی است که غیر از مردم فرشتگان را هم مشغول داشته است:

صبح دم از عرش می‌آمد سروشی عقل گفت

قدسیان گویی که شعرِ حافظ از برمی‌کنند

این آثار از طبع موزونِ حافظ است که خوب رویانِ جهان را هم به رقص می‌آرد:

بشعرِ حافظ شیراز می‌رقصند و می‌نازند سیه چشمانِ کشمیری و ترکانِ سمرقندی

و از این رو گفته می‌شود که شعر حافظ در همان زمان خود او در سراسر دنیا محبوبیت و معروفیت به دست آورده بود.

بسیاری از غزل‌های حافظ به وقایع مهم مکان و زمان اشاره می‌نمایند و بعد تاریخی به دیوان وی می‌بخشد. دیوان حافظ جنبه‌های دیگر نیز دارد که از جمله آنها جنبه بشر دوستی او در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. دیوان حافظ دریای متموج است و من از مولوی الهام گرفته می‌گویم:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم بقدر تشنگی باید چشید

و در اینجا فقط به غزل‌هایی از وی که بر بشر دوستی او دلالت می‌کند، اشاره می‌کنم، یکی از معاصران حافظ عبید زاکانی صاحب منظومه موش و گربه می‌باشد. در این منظومه گربه‌ای هست که بعد از کشتن بسیاری از موشها به مسجد می‌رود و در حضور خداوند متعال از شکار موشها توبه می‌کند. در پس منبر موشی پنهان می‌باشد. از این تغییر در سرشت گربه خوشحال می‌شود و به قوم خویش مژده می‌برد که از حالا به بعد، گربه دیگر شکار موشها نمی‌کند. موشهای ساده توبه گربه را باور می‌کنند و با «تحفه‌های الموان» نزد آن می‌روند تا همه نثارش بکنند و به وی تبریک بگویند. گربه ادای زاهد را درمی‌آورد و به آنها نزدیک می‌شود و پنج موش را در یک حمله می‌گیرد. گربه که مثل گرگ در لباس میش بود، بر موشها سلطه می‌یابد و آنها پی می‌برند:

سالی یک دانه می‌گرفت از ما حال حرصش شده فراوانا

این زمان پنج پنج می‌گیرد چون شده تایب و مسلمانا

عبید زاکانی با داستان موش و گربه از جامعه خود شکایت می‌کند و حافظ هم مانند او به روش حاکم بر روزگار خود می‌خندد و با مبارزه علیه ریا به وسیله غزل خدمتی به انسان می‌کند که در این مقاله به ذکر آن خواهیم پرداخت.

پیغام بشر دوستی در ادبیات فارسی چندان تازگی ندارد. چون فردوسی، سعدی و همه شعرای فارسی نیز آن را ابلاغ نموده بودند. ولی پیغام بشر دوستی حافظ از این

جهت متمایز از دیگران می‌باشد که وی در لفافه غزل آن را به دیگران می‌رساند. حافظ از کجا با انسان آشنا شده و چرا دلش برای انسان شور می‌زند؟ حافظ وقتی با انسان آشنا شد که آدم در میان آب و گل بود و فرشتگان گل او را می‌سرشتند:

دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمان زدن

حافظ آدم را در زمانی دیده که خیلی ساده و با صفا و موجودی پاک و منزه بود که خداوند متعال در محول کردن «بار امانت» به او ابا نداشت. حافظ از قرآن الهام گرفته به زبان شعر می‌گوید:

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند

انسان دوره‌های مختلف را پشت سر گذاشته است. آن هم یک مرحله در سیر زندگانی بشر بود که حافظ از آن تعریف کرده است. ولی در قرن هشتم قمری حافظ آنگونه آدم را نمی‌یابد، بلکه «در دور قمر شوری» می‌بیند که «همه آفاق پراز فتنه و شر» کرده است. در همان عصر که انسانی با ویژگی مسیح پیدا نیست. «یاری اندر کس» دیده نمی‌شود. از «یاران» خبری نیست. عواملی که به مساعی آنها «لعلی از کان مروت» برمی‌آید یعنی «تابش خورشید و سعی باد و باران» سالهاست اثری از آنها نیست. حافظ دوست نداشته که در تنگنای «حسد»، «ریا»، «حقه بازی»، «تهمت»، «نفاق» و «تجاوز» بماند. حافظ در قبال این اوضاع نامساعد مسئولیت خود را شناخته، راه غزل را پیش می‌گیرد. از این راه خواهد علیه وجود فساد و تبه‌کاری در جامعه بشر مبارزه کند و به حساب افرادی که «نقش خرابی» در جامعه ایفاء می‌کنند، برسد. با زبان شیرین و مملو از طنز می‌گوید:

واعظان کاین جلوه بر محراب و منبر می‌کنند چون بخلوت می‌روند آن کار دگر می‌کنند

آن فقیه که باید کارش از روی انصاف باشد و جامعه وی را محور خود حساب کند،

روزی، دست سرسخت حافظ گریبانش را می‌گیرد و دهانش را باز می‌کند:

فقیه مدرسه دی مست بود و فتوی داد که می‌حرام ولی به زمال اوقافت

ارزش بشر و بشر دوستی در دیوان حافظ
آن فقیه چون در حال مستی بود، کمی جرئت راست گویی را داشت و به اصطلاح انگلیسی‌ها Lessey-Evil را اتخاذ کرد و می‌حرام را از خوردن مال اوقاف بهتر دانست. شاید اگر در حال عادی می‌بود این حقیقت را هم نمی‌گفت. حافظ با سرودن چنین اشعار طنزآمیز و تکان دهنده آدم‌ها را به اشتباه خود متوجه می‌کند و زمینه‌ای برای رستگاری فراهم می‌آورد. زبان حافظ همیشه طنزآمیز نیست بلکه از آدم با آدم فرق می‌کند. حافظ طنز خود را بر افراد ریاکار، زاهد، واعظ و محتسب اختصاص می‌دهد و گرنه با مردم عادی که سخن می‌گویند و بشر دوستی به آنها یاد می‌دهد، به زبان شیرین شیراز که زبان گل و بلبل است، تکلم می‌کند:

صبحدم مرغ چمن با گل نوحامسته گفت ناز کم کن که درین باغ بسی چون تو شگفت
گل بخندید که از راست نرنجیم ولی هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت
بعضی از ابیات حافظ به اشاره و کنایه حکمت بشر دوستی را ارائه می‌دهد که خواننده به یاد استادان برجسته‌ای مانند فریدالدین عطار نیشابوری و حکیم عمر خیام نیشابوری می‌افتند. آنچه عطار به زبان ساده‌ی مثنوی ارائه می‌دهد:

بوسعید مهنه در حمام بود قائمش افتاد مردی خام بود
شوخ شیخ آورد بر بازوی او جمع کرد آن جمله پیش روی او
شیخ را گفتا که ای پیر جهان خود جوانمردی چه باشد در جهان
گفت شوخ خلق پنهان کردن است عیب پیش رویشان ناوردنست
این جوابی بود بر بالای او قایم افتاد آن زمان برپای او

همین نکته را حافظ در قالب غزل می‌ریزد که مردم هنر دوست شیراز بدان بیشتر آشنایی دارند:

عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم
دین مبین اسلام که راه زرین رستگاری بشر است، مردم آن را به فرقه‌های مختلف تقسیم کردند و پیروان هر فرقه ادعای تفوق بر دیگران داشتند و به همین سبب اختلاف و

نفاق بین مردم به وجود آمد و تشنج به جنگ مبدل گردید. حکیم عمر خیام رباعی زیبایی دارد که بیانگر این جنبه اسف‌آور از تاریخ بشر می‌باشد:

قومی متفکرند در مذهب و دین جمعی متحیرند در شک و یقین
ناگاه برآورد منادی زکمین کای بی‌خبران راه نه آنست و نه این

حافظ نیز همین مسئله را بیان می‌کند و هم حل آن. شاعر ما نمی‌خواهد اسلام صحنه‌ای برای جنگ فرقه‌ها درآید و خون مردم ریخته شود و افراد بی‌گناه کشته شوند. او به زبان نرم، پیغام بشر دوستی به مردم می‌دهد:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

حافظ مذهبی غیر از عشق نمی‌شناسد و عشق را تنها راه وصول به حق می‌شناسد و در معبد‌ها، پرتو یک خدا را می‌بیند و این نکته را به زبان عارفانه خود چنین بیان می‌کند:
همه کس طالب یارند چه هشیار و چه مست

همه جا خانه عشقست چه مسجد چه کنشت

دیوان حافظ دارای مطالب گوناگون مربوط به بشر دوستی می‌باشد. از میان همه آنها، مطلب اصلی که توجه ما را جلب می‌کند، شریعت و طریقت حافظ است که در تصویر صاحب رسالتی در دیوان وی ظاهر می‌شود و احکام دین عشق خود را صادر می‌کند. مردم گمراه را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. وی از مردم آزاری سخت متنفر است چون این پدیده ناشایسته خداوند متعال را هم خوش نمی‌آید. لذا حافظ سعی می‌کند که مانع از ارتکاب این گناه عفو نشدنی شود:

مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن که در شریعت ما غیر از این گناهی نیست

در نظر حافظ مردمی که به دنیا دل می‌بندند و در اینجا آسایش ابدی می‌جویند، بر خطا هستند و ی تأکید می‌کند:

مرا در منزل جانان چه امن و عیش چون هر دم

جرس فریاد می دارد که بریندید محملها

او انسان را بیشتر به این نکته متوجه می کند که دنیا فقط گذرگاهی است که به عالم جاوید منتهی می شود آدم بعضی وقتها صفت بی ثباتی دنیا را فراموش می کند و در دام مادیات آن قرار می گیرد. لسان الغیب به سمع وی می رساند:

که ای بلند نظر شاه باز سدره نشین نشیمن تو نه این کنج محنت آبادست

ترا زکنگره عرش می زنند صقیر ندانمت که در این دامگه چه افتادست

بعد از بررسی نظرگاه حافظ به این نتیجه می رسیم که مادیات رفتنی و مردنی است و این موضوع هم برای ما روشن است که مادیات انسان را می بلعد. لذا حافظ از آن دوری می جوید و به معنویت روی می آورد و مثل یک مبلغ اخلاق از ارزشهای معنوی صحبت می کند و مردم را که دلش برای آنها پیوسته می تپد، به کارهای خوب تشویق می نماید:

بر این رواق زبرجد نوشته اند بزر که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

پیغام بشر دوستی حافظ اوج می گیرد. پیام سنتی ایران درباره خیر و شر را به عنوان ارمغان به همه ملل جهان تقدیم می کند:

درخت دوستی بنشان که کام دل بیار آرد نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی ***